

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۹

جغرافیای تاریخی ایالات ماسبدان و مهرجانقدق در دوران

خلفای اموی

علیرضا اسدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۰

چکیده:

ماسبدان و مهرجانقدق به عنوان بخشی از ایالت بزرگ پهلپه باستان (جبال) در غرب ایران که به واسطه داشتن شرایط مناسب اقلیمی و موقعیت استراتژیکی، از قدیمی‌ترین ازمینه تا روی کار آمدن حکومت‌های ترک نژاد در نجد ایران همواره مورد توجه پادشاهان و امرا و خاندان‌های حکومتگر بوده است و در نتیجه، بخشی از رخدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران و تاریخ اسلام در این گستره جغرافیایی اتفاق افتاده است.

این پژوهش در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که چه دلایلی باعث شد تا ایالات مذکور که با موقعیت جغرافیایی استان ایلام همخوانی دارند، در عصر خلافت امویان از جایگاه ویژه و استراتژیکی برخوردار شوند؟ نتایج مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، بیانگر آن است که در قرون اولیه اسلامی یکی از کوتاه‌ترین راه‌های مواصلاتی عراق به مرکز و شرق نجد ایران از این منطقه می‌گذشته است. وجود آب و هوای مساعد، جنگل‌های انبوه و پوشش گیاهی مناسب، جذبه‌های توریستی طبیعی و کوه‌های سر به فلک کشیده از دلایل اهمیت این منطقه بوده است. همین امکانات طبیعی باعث شده بود تا مخالفان خلافت اموی مدت‌ها این مناطق را کانون مخالفت خود با خلفای اموی قرار دهند و خلفای اموی نیز برای مقابله با این تهدیدات ایالات ماسبدان و مهرجانقدق را به صورت تیول به خاندان‌های مورد تأیید خود واگذار کنند.

واژگان کلیدی: ماسبدان، مهرجانقدق، استان ایلام، جغرافیای تاریخی، خلافت اموی، امویان.

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام alireza.asadi1359@gmail.com

۱- مقدمه:

جغرافیای تاریخی یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین زمینه‌های مطالعات تاریخی است که با پشتوانه‌ای مناسب از میراث مطالعاتی انجام گرفته، در این زمینه با بسیاری از موضوعات و حوزه‌های پژوهش تاریخی ارتباط برقرار ساخته و زمینه‌ای جذاب و بکر را فراروی پژوهشگران گشوده است. استان ایلام امروزی در قرون نخستین اسلامی یکی از مناطق مهم خلافت امویان بوده است. ماسبدان با مرکزیت سیروان و مهرجانقذق با مرکزیت سیمره، از ایالت‌های دوره ساسانیان بودند که اهمیت خود را در دوره اسلامی تا قرن پنجم هجری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی حفظ کردند. ایالت ماسبدان از نظر تقسیمات سیاسی، اقتصادی و مالیاتی، جزو حوزه مالیاتی کوفه به‌شمار می‌رفت. مهرجانقذق نیز جزو قلمرو مالیاتی بصره بود. بالا بودن میزان مالیات این نواحی، حضور خوارج و مخالفان خلافت اموی در این مناطق، حضور دو خاندان کثیر بن شهاب و خشرمیان از هواداران خلافت اموی در این ناحیه، داشتن مراتع و جنگلهای غنی و راه ارتباطی به مرکز نجد ایران، باعث افزایش اهمیت این مناطق در دوره خلافت اموی گردید. گرچه در کتاب‌ها و اسناد گوناگون به طور پراکنده به این مسئله پرداخته شده است، ضرورت ایجاب می‌کرد که با نگارش مقاله‌ای این موضوع، مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد و اثری منسجم و نظام‌مند پدید آید تا خواننده به سهولت بتواند به مطلوب خود دسترسی پیدا کند. این مقاله در صدد است با بازکاوی متون تاریخی و جغرافیایی وضعیت ایالات ماسبدان و مهرجانقذق را در دوره خلفای اموی تبیین و نقاط معتبر جغرافیایی آن (اعم از شهرها، روستاها، کوه‌ها، رودها و ...) و نقش این اماکن و مناطق جغرافیایی را در تحولات تاریخی آن دوره تشریح کند. جغرافیای تاریخی ایالات ماسبدان و مهرجانقذق در دوران خلفای اموی مسئله این تحقیق است.

۲- هدف تحقیق:

تواریخ عمومی برای تأیید یافته‌های خود در سطح ملی باید به تواریخ محلی به عنوان منبع رجوع کنند. با توجه به اهمیت این موضوع، هدف اصلی این تحقیق، بررسی،

تحلیل، تبیین و تشریح جغرافیای تاریخی ایالات ماسبذان و مهرجانقذق در دوران خلفای اموی و نقش این ایالات در تاریخ سیاسی این دوره است. بررسی و تجزیه و تحلیل اوضاع اقتصادی و مذهبی در این دوره از اهداف متغیر و جزئی پژوهش حاضر است.

۳- روش تحقیق:

تحقیقات و پژوهش‌هایی که در حوزه تاریخ انجام می‌شوند؛ معمولاً از نوع توصیفی-تحلیلی هستند؛ لذا، در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و تحلیل تاریخی با استفاده از معتبرترین منابع و مآخذ دست اول و ثانویه استفاده شده است.

۴- پیشینه تحقیق:

اطلاعات پراکنده‌ای در مورد مسائل تاریخی، اجتماعی و تحولات سیاسی، مذهبی و اقتصادی استان ایلام در دوره خلافت امویان در منابع و مآخذ گوناگون وجود دارد؛ چنان‌که در منابع دست اول همچون: تاریخ طبری، اخبارالطوال دینوری، تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی، تاریخ کامل ابن اثیر، فتوح البلدان بلاذری، الفتوح ابن اعثم کوفی و ... اطلاعاتی پراکنده درباره تاریخ ایالت‌های ماسبذان و مهرجانقذق در عصر خلافت امویان آمده است؛ ولی تاکنون به صورت منسجم به موضوع حاضر پرداخته نشده است. از این رو، مقاله حاضر جغرافیای تاریخی ایالات ماسبذان و مهرجانقذق (استان ایلام کنونی) در عصر خلافت امویان را به صورت نظام‌مند، مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۵- موقعیت جغرافیایی استان ایلام:

استان ایلام با مساحتی در حدود ۲۰۱۳۸ کیلومترمربع، در غرب و جنوب غربی کشور، بین ۳۲ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۰۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۰۳ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد.^۱

۶- حدود و وسعت استان ایلام:

استان ایلام، از شمال به استان کرمانشاه، از غرب به کشور عراق، از جنوب به استان خوزستان و کشور عراق و از شرق به استان لرستان محدود است، این استان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، دارای ۱۰ شهرستان به نام‌های ایلام، سیروان، چرداول، ملکشاهی، دره‌شهر، بدره، دهلران، مهران، ایوان و آبدانان می‌باشد و دارای ۲۶ بخش، ۲۵ شهر، ۴۹ دهستان و ۶۳۰ آبادی دارای سکنه می‌باشد و حدود ۴۲۵ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد.^۲

استان ایلام در تقسیمات سیاسی و بین‌المللی طولانی‌ترین مرز خشکی را با کشور عراق دارد و در دوره‌های پیش از جمله در دوره‌ی قاجاریه، طولانی‌ترین مرز را با امپراتوری عثمانی داشت که در تحولات سیاسی آن زمان، والیان پشتکوه (استان ایلام امروزی) نقش مهمی را ایفا کردند.^۳

استان ایلام تا قبل از سال ۱۳۴۴ ه.ش یکی از شهرستان‌های تابع استان پنجم کشور (کرمانشاهان) بوده^۴ و سپس با تغییراتی از نظر تقسیمات کشوری در سال ۱۳۵۲ ه.ش به فرمانداری کل و در سال ۱۳۵۳ ه.ش به استان ایلام تبدیل و شهر ایلام (حسین‌آباد سابق) به عنوان مرکز استان انتخاب گردید.

۷- جغرافیای تاریخی استان ایلام کنونی (ماسبدان و مهرجانقدق) پیش از ورود اسلام به ایران:

۱. سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۳، ص ۲۵؛ بخش تحقیقات روستایی، بررسی اقتصادی و اجتماعی ایلام، ۱۳۴۴، ص ۴-۵.

۲. سالنامه آماری استان ایلام ۱۳۹۳، ص ۲۵.

۳. اکبری، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، ص ۴۴.

۴. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۲۷۲۳.

ایلام به عنوان مسکن اقوام بومی ماقبل آریایی که مورخان و باستان شناسان، آنان را اقوام آریاتیک [آسیانی] دانسته‌اند.^۱ با تشکیل امپراتوری ایلام باستان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های امپراتوری ایلام، استان ایلام کنونی بوده که این منطقه از لحاظ موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن، بر سرزمین بین‌النهرین، مسلط بوده‌است و فاتحان و مهاجمان سومری، اکدی و آشوری و بابلی گاه از طریق مسیرهای پربیچ و خم آن، وارد سرزمین ایلام باستان می‌شدند و از منطقه ایلام امروزی که در آن زمان به عنوان یکی از ایالت‌های ایلام به نام «ورهشی» یا «مرهشه» خوانده می‌شده‌است،^۲ با پیمودن دره‌ها و کوهستان‌های آن به سوی شمال جلگه خوزستان و شوش پیشروی می‌کردند و شهرها و مناطق پرجمعیت ایلام را مورد هجوم و قتل و غارت قرار داده‌اند.

والتر هینتس در این مورد چنین می‌آورد: «ورهشی» به احتمال قوی منطقه کوهستانی پشتکوه [ایلام امروزی] و سرزمین اطراف کرخه علیا [سیمره امروزی] در قسمت شمال غرب سوزیان [شوش] است. ورهشی به انگیزه حفظ خود، مسلماً با دولت ایلام روابط دوستانه‌ای داشته‌است، زیرا هر حمله‌ای که مستبدین بین‌النهرین علیه ایلام طرح می‌کردند لزوماً از مسیر ورهشی [شمال شرقی و مرکز استان ایلام کنونی] می‌گذشت.^۳ وجود کتیبه آشوری گل‌گل ملکشاهی بر سر راه ایلام به ملکشاهی که از آثار به جای مانده از سناخریب و یا آشور بانی پال از پادشاهان آشوری است، این نکته را به خوبی روشن می‌سازد.^۴

بیشتر مورخان بر این عقیده‌اند که ورهشی [شمال شرقی و مرکز استان ایلام امروزی] یک ایالت و حکومت کاملاً مستقل از ایلام باستان بوده‌است که گاهی متحد حکومت‌های بین‌النهرین و گاه متحد ایلام می‌شده‌است و زمانی که حکام ایلامی قوی بوده‌اند، ورهشی را ضمیمه خاک خود می‌کرده‌اند.^۵

۱. زرین کوب، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، ص ۷۲.

۲. مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ص ۹۹.

۳. هینتس، دنیای گمشده عیلام، ص ۶۱.

۴. اسدی، با ایلامیان در ایلام (شناخت اقوام، ایلات، طوایف و خاندان‌های استان ایلام)، ص ۴۸.

۵. اسدی، فرهنگ تطبیقی گویش کردی ایلامی با زبان ایرانی میانه، ص ۴۲.

هم‌زمان با تمدن ایلام باستان، اقوام گوتی، لولوبی و کاسی نیز در نواحی غرب نجد ایران ساکن بودند و حکومت‌هایی را تشکیل دادند، استان ایلام امروزی نیز به تناوب در قلمرو حکومتی این دولت‌ها قرار می‌گرفت و یا به عنوان ایالتی مستقل عمل می‌نمود.^۱ ایلام از ۶۴۰ تا ۶۲۵ ق.م به صورت یک ایالت در قلمرو آشور باقی ماند، در سال ۶۲۵ ق.م «نابو پالاسار» (۶۲۵-۶۰۴ ق.م) بنیان‌گذار سلسلهٔ بابل جدید، با قیام علیه آشور که [به کمک مادهای آریایی صورت گرفت]، بابل را مستقل کرد و ایلام را به عنوان یک ایالت خراج‌گزار به تصرف درآورد و تا سال ۵۳۹ ق.م که کورش کبیر (۵۵۹ تا ۵۲۹ ق.م) بابل را تصرف کرد جزو بابل بود و از آن پس ایلام و سایر متصرفات بابل به قلمرو سلسلهٔ هخامنشی ضمیمه گردید.^۲

البته ایلام در دورهٔ مادها و در زمان هخامنشیان [کیاکسار] (۶۲۵-۵۸۴ ق.م) جزو ساتراپ نشین هشتم دولت ماد محسوب می‌شد^۳ و مادها در این دوره از ایلام به نام خووجه نام برده‌اند.^۴

داریوش اول هخامنشی در سال ۵۱۹ ق.م، پس از سرکوبی شورش‌های [آتمتیه] و [مرتیه] آثارمائیتا در ایلام، این ناحیه را [شامل ورهشی- ایلام امروزی- و خوزستان امروزی] همراه کاسی‌ها، در حوزهٔ مالیاتی هشتم قرار داد.^۵

هر چند اقوام ساکن زاگرس در دورهٔ هخامنشی جزئی از شاهنشاهی بوده‌اند، ولی گاهی سپاه هخامنشی برای عبور از زاگرس ناچار به پرداخت نوعی باج به کوهداران منتقد بوده‌است.^۶

اسکندر مقدونی ضمن تصرف ممالک تابع ایران، علاوه بر لشکرکشی علیه قبیلهٔ کوه نشین کاسیت، ایلام را که یکی از ایالت‌های شاهنشاهی هخامنشی بود؛ به تصرف خود

۱. هینتس، دنیای گمشدهٔ عیلام، ص ۸۸.

۲. مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین‌النهرین (تاریخ سیاسی)، ج ۱، ص ۹۹.

۳. دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۳۱۷.

۴. نوریخس، مسافران تاریخ، ص ۶۸.

۵. زرین کوب، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، ص ۷۲.

۶. آمیه، تاریخ ایلام، ص ۲.

درآورد و سپاهیان اسکندر برای فتح شوش و تخت جمشید از منطقه ایلام عبور کرده‌اند و استرابون از این منطقه [ایلام] تحت عنوان «ماساباتیس» یاد کرده است.^۱ در زمان سلوکیان و جانشینان اسکندر مقدونی، ساکنین زاگرس بنا به نوشته‌های مورخین یونانی اکثر اوقات در نبرد با اقوام مهاجم و بیگانه بوده‌اند. پس از اینکه اشک اول - بنیان‌گذار سلسله اشکانی - در سال ۲۵۰ ق.م با حمله به پارت و غلبه بر حاکم سلوکی آن، بر آن ناحیه مسلط شد و سلسله مستقلی را در پارت تأسیس کرد،^۲ ایلام وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود می‌شود که به لطف آثار فراوان به جای مانده دارای تاریخ روشن و واضح‌تری می‌باشد.

بخش غربی نجد ایران از دیرباز به علت آب و هوای مساعد و دره‌های پرآب و قابل کشت و کوه‌های پر از علف و جنگل و شکار، مورد توجه بوده و ظاهراً ایلام قسمتی از ایالت پهل در زمان اشکانیان بوده است. ابوبکر احمد پسر محمد اسحاق، مشهور به ابن فقیه همدانی می‌نویسد: این ناحیه را شهرهای پهلویان می‌نامند و آن همدان است، ماسبدان (ایلام)، مهرجانقذق (دره‌شهر) که سیمره است و ماه‌بصره (نهادند) و ماه‌کوفه (دینور) و کرمانشاهان و آنجا به جبل منسوب است و از جبل نیست یعنی ری و اصفهان و کومش (قومس) و طبرستان و گرگان و سیستان و کرمان و قزوین و دیلم و بیرو...^۳

سعید نفیسی می‌گوید: «پهله» نام سرزمینی بوده که پادشاهان اشکانی نخست بر آن سرزمین استیلا یافتند که این‌ها شامل اصفهان و ری و همدان و کرمانشاه و ماسبدان (شمال ایلام) و مهرجانقذق (جنوب ایلام) و نهادند و سیمره (دره‌شهر) و قزوین و کومش و آذربایجان بود.^۴

آن چیزی که به صورت کلی می‌توان گفت، ماسبدان و مهرجانقذق دو ایالتی بوده‌اند که استان ایلام امروزی بیشترین سهم از وسعت آن دو ایالت را در بردارد.^۵

۱. دیاکونوف، تاریخ ایران باستان، ص ۱۶۹.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. ابن‌فقیه همدانی، مختصرالبلدان، ص ۲۳.

۴. نفیسی، تمدن ساسانی، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۵. اسدی، با ایلامیان در ایلام (شناخت اقوام، ایلات، طوایف و خاندان‌های استان ایلام، ص ۵۴).

همان‌طور که اشاره شد در استان ایلام در دوره اشکانیان به بعد در قسمت‌های جنوبی ایلام با حواشی آن و قسمت‌های شمال ایلام با مناطق هم‌جوارش، دو ایالت مهرجانقذق و ماسبذان وجود داشته‌است و این دو ایالت در عصر ساسانیان جزو قلمرو حکومتی این سلسله نیز قرار داشتند.^۱

در زمان ساسانیان، استان ایلام جزء سرزمین «پهله» یا «پهلوی» که استان بزرگی بود که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند. پهله سرزمینی است که شاهان اشکانی حکومت خود را از آنجا آغاز کردند.

ابن فقیه همدانی سرزمین‌های مرتفع غرب نجد ایران را ناحیه پهلویان می‌نامد و در کتاب خود به چند شهر اشاره می‌کند که در میان آنها نام ماسبذان دیده می‌شود.^۲ بر اساس یک مهر عقیق پیدا شده از رضائیه (اورمیه) سه شهر جندی‌شاپور، شوش و مهرجانقذق را در یک ناحیه مکانی قرار داشتند.^۳

یعقوبی در کتاب خود در ارتباط با استان‌های ایران در دوره ساسانی چنین می‌نویسد: «استان قهستان شامل: طبرستان، ری، قزوین، زنجان، قم، اصبهان [اصفهان]، همدان، نهاوند، دینور، حلوان، ماسبذان [شمال و شمال غرب تا مرکز استان ایلام امروزی شامل ایلام، ایوان، ملکشاهی، مهران، سیروان و چرداول]، مهرجانقذق [در جنوب شرقی و شرق ایلام شامل دره‌شهر و سیمره و نواحی اطراف آن]، شهرزور، صامغان، آذربایجان بوده‌است.^۴

ابودلف در کتاب خود علاوه بر ذکر نام ایالت‌های ماسبذان و مهرجانقذق، شهرهای «اریوجان»، «رد» [رذ] و «براو»، «سیروان» و «صیمره» [سیمره] از شهرهای این دو ایالت را نیز توصیف نموده است.^۵

۱. اکبری، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۲. ابن فقیه، مختصرالبلدان، ص ۲۳.

۳. فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۲۷.

۴. ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۲۱۸.

۵. ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، ص ۶۱-۶۰.

شهرهای مشهور دوره ساسانی، در این منطقه [ایلام امروزی] عبارت بودند از «سیمره» مرکز مهرجانقذ که بعدها دره‌شهر نامیده شد و «شیروان» یا «سیروان» حاکم نشین ایالت ماسبذان [شمال استان ایلام امروزی] بوده است.^۱

یاقوت حموی درباره شهرهای مذکور چنین می‌گوید:

«سیروان استانی است در جبل و آن استان ماسبذان است و گویند بلکه آن استانی است در پهلوی ماسبذان و برخی گفته‌اند سیروان دهکده‌ای است در جبل و به تحقیق آن را معین نکرده‌اند» و «سیمره شهری است از نواحی جبل از سوی خوزستان و آن را به نام مهرجانقذ خوانند و آن آبادان و دارای میوه‌ها و آب‌ها است».^۲

۸- جغرافیای تاریخی استان ایلام کنونی (ماسبذان و مهرجانقذ) پس از ورود اسلام تا پایان دوره اموی:

با آغاز هجوم اعراب مسلمان به ایران، ایالت‌های ماسبذان و مهرجانقذ به نجد ایران این دو ایالت از جمله نخستین ایالت‌های مد نظر اعراب برای فتح بودند. روایات زیادی درباره چگونگی فتح این ایالت‌ها وجود دارد. از جمله کسانی چون ابن اثیر، ابوالفدا، اصطخری، یاقوت حموی، مقدسی، مستوفی و لسترنج^۳ در نوشته‌های خود به فتح این دو ایالت توسط اعراب مسلمان اشاره کرده‌اند که نظرات همه آنها به جز چند روایت نزدیک به هم هستند.

آن گونه که از آثار ویرانه‌های شهرهای باستانی این دوره، در منطقه ایلام به چشم می‌خورد این منطقه یکی از مناطق آباد شاهنشاهی ساسانی به حساب می‌آمده است و علاوه بر

۱. مؤلف مجهول، تاریخ سیستان، ص ۱۵۰.

۲. یاقوت حموی، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ص ۱۲۵-۱۱۹.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۹، ص ۱۷۴؛ ابن حوقل، صورة الارض، ص ۲۲ و ۱۱۰؛ ابوالفدا، تقویم البلدان، ص ۴۷۸؛ اصطخری، مسالک الممالک، ص ۸۹؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۵۷۲ و ج ۳، ص ۸۲ و ج ۴، ص ۲۲۵؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة القالیم، ج ۱، ص ۳۷۲؛ مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۱۸۱-۱۷۸؛ لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۱۸.

جایگاه مناسب برای کشاورزی و دامپروری به سبب داشتن دره‌های باریک و کوچک و آب و هوای معتدل، تفریحگاه مناسبی برای پادشاهان ساسانی محسوب می‌شده‌است. این دو ایالت در زمان ساسانی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار و پل ارتباطی بین میان‌رودان و نجد ایران محسوب می‌شدند. عوامل متعددی چون طبیعت بکر و دست نخورده و پناهگاه‌های طبیعی، موقعیت اقتصادی و استراتژی، آب و هوای مناسب باعث شد که اعراب از دو سمت به فرماندهی ابوموسی با سپاهی از سمت غرب وارد ایران شوند. اعراب ابتدا به دینور یورش بردند و تنها یک روز در این منطقه جنگیدند، مردمش پذیرفتند که جزیه و خراج بپردازند و بدین سبب توانستند جان و مال خویش را نجات دهند. ابوموسی پس از فتح دینور، به سوی ماسبذان روانه شد و این منطقه با شرایط دینور خواستار صلح شدند.^۱ اما برخی از محققان فتح ماسبذان را طی جنگی بیان می‌کنند که در این نبرد ساکنان آنجا به کوهستان گریختند. پس از فتح ماسبذان، سعد بن هذیل حاکم ماسبذان شد و ماسبذان با کوفه مرز مشترک پیدا کرد.^۲

آخرین فرمانروای ماسبذان؛ یعنی شمال و شمال غربی ایلام کنونی در دوره ساسانیان بنا به گفته طبری سلم پسر هرمزان بوده‌است و پس از گردن زدن سلم توسط ضرار بن خطاب، ابن هذیل از طرف مسلمانان حاکم آنجا گردید و ماسبذان یکی از مرزهای کوفه بوده‌است.^۳ اکبری فتح ماسبذان و مهرجانقذق را به ترتیب در سال‌های ۱۶ ه.ق و ۲۰ ه.ق می‌داند.^۴

در خصوص اینکه بعد از فتح این ناحیه توسط اعراب، وضع سیاسی، اجتماعی مردم این دیار چگونه بوده است، اطلاعی در دست نیست و اطلاعاتی که منابع در اختیار ما قرار می‌دهند بسیار ضعیف است. در زمان خلیفه دوم، عمر، پس از فتح ماسبذان، ابن هذیل اسدی حاکم این ناحیه شد.^۵ در زمان خلیفه سوم عثمان حاکم این ناحیه فردی به نام

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۶۷.

۲. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۱۸۴.

۳. همان، ص ۱۸۴۱.

۴. اکبری، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، ص ۲۰۳؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ص ۱۸۴۰.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۸۵۴.

حبیبش بوده است.^۱ ولی از اوضاع و احوال زمان او اطلاعی در دست نیست. در دوره خلافت علی (ع) زد و خوردهای بسیاری با خوارج که به این منطقه کوهستانی فرار کرده بودند صورت گرفت و ولایت ماسبذان قتلگاه گروه زیادی از خوارج شد.^۲ امام علی (ع) بعد از جنگ جمل، محمد بن مسلم را به عنوان حاکم جبل انتخاب کرد^۳ و در این زمان ماسبذان و مهرجانقذق جزء جبل محسوب می‌شد.

امویان که تا سال ۱۳۲ هـ.ق حکومت کردند بیشتر بر عنصر عرب تکیه داشتند و بقیه را موالی می‌خواندند و تحقیر می‌کردند.^۴ در زمان یزید بن معاویه حکومت ماسبذان، مهرجانقذق، حلوان و دینور به کثیر بن شهاب داده شد.^۵ در اواخر حکومت آنان نارضایتی ایرانیان و سایر موالی به اوج خود رسیده بود و ضعف مروان (۱۲۷-۱۳۲ هـ.ق/۷۴۴-۷۴۹ م) آخرین خلیفه بنی امیه^۶ باعث شد قیام‌های متعددی در قلمرو او صورت گیرد. بیشتر مورخین درباره تصرف ماسبذان و اتفاقات رخ داده در صدر اسلام گفته‌های مشابهی دارند، و این درباره مرگ مهدی خلیفه سوم عباسی مصداق بیشتری دارد. همه نویسندگان نام روستای (رد= شهر ایلام کنونی) محل فوت و دفن مهدی است که به نظر می‌رسد که این روستا در دوره هر نویسنده‌ای نام خاصی داشته است.

مقدسی در کتاب خود در قرن چهارم هجری قمری درباره شهرهای سیمره و سیروان چنین آورده است: «سیمره همان ماسبذان است بزرگ، آباد و پر برکت است به یک روستای بزرگ کوهستانی پیوسته که راهش دشوار است. میوه‌های ناهماهنگ خرما و گوز [= گردو] دارد، ساختمانهایش از گچ و سنگ است. آب در آن روان است، زیبا و خوب؛ ولی کوچک است. سیروان، شهرک آن است، کشتزار و نخلستان دارد». مقدسی،

۱. نویری، نهاییه الادب فی فنون الادب، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۹۱.

۴. زرین کوب، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، ص ۳۸۴؛ شعبانی، مروری کوتاه بر تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوران قاجاریه، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۶۹.

۶. ابن طقطقی، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی، ص ۱۸۵-۱۸۴.

نام شهرهای همسایه همدان؛ یعنی ماسبذان و مهرجانقذق که همان سیمره و ماسبذان هستند را ذکر کرده است.^۱

ابن حوقل از سفرنامه نویسان قرن چهارم هجری است که مسافرت خود را در سال ۳۳۱ ه.ق از شهر بغداد آغاز کرد.^۲ او اطلاعات مختصری درباره ماسبذان و مهرجانقذق آورده که بدین شرح است: «سیمره و سیروان، دو شهر کوچک اند که بناهای آنها مانند شهرهای موصل و تکریت، اغلب با گچ و سنگ است و میوه بسیار و گردو و دستنبویه و محصولات نواحی سردسیر و گرمسیر و آبها و درختان و کشتهای بسیار دارند. این دو شهر، جایی با صفا هستند و در رودخانه‌ها و کوی‌های آنها آب جریان دارد.»^۳ ابن حوقل فاصله دینور تا سیمره را پنج منزل، از دینور تا سیروان را چهار منزل و از سیروان تا سیمره را یک روز نوشته است. ابن خردادبه، جغرافیدان قرن چهارم هجری، از اوضاع اقتصادی و مالیاتی مناطق ماسبذان و مهرجانقذق در قرن سوم هجری یاد کرده است.^۴ ابن رسته پس از معرفی استان‌های ایران‌شهر که جبال را یک استان یا ایالت معرفی می‌کند، خوره جبال را همان کوره‌هایی می‌داند که در کتاب ابن خردادبه از آنها یاد شده است.^۵ ابودلف از سفرنامه نویسان قرن چهارم ه.ق از مناطق ماسبذان و مهرجانقذق بازدید کرده و در مورد این مناطق چنین آورده است: «... از طرز به سوی راست به ماسبذان و مهرجانقذق می‌روند که شامل شهرهای متعدد؛ از جمله اریوحان [ایوان غرب فعلی در استان ایلام] است. این شهر زیبا در دشتی میان کوه‌های پراز درخت واقع است و در آن، آبهای معدنی وجود دارد. آب آن به بند نیچین [مندلی] می‌ریزد و نخلستانها با آن آبیاری می‌شود از آنجا تا رذ [ایلام فعلی] و براو، چند فرسخ است. در آنجا [ایلام امروزی] آرامگاه مهدی واقع است؛ سپس، از آنجا به سیروان می‌روید؛ در این مکان آثار زیبا و ساختمان‌های عجیب موجود است. آنگاه به سیمره می‌روید. سیمره، شهر زیبایی

۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه القالیم، ج ۲، ص ۵۸۸.

۲. بیات، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه، ص ۱۰۴.

۳. ابن حوقل، صورة الارض، ص ۱۱۲.

۴. ابن خردادبه، المسالك و الممالک، ص ۱۸-۱۹.

۵. ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۱۲۱ و ۱۹۵.

است که در آن درختان خرما و زیتون و گردو، با هم دیده می‌شود.^۱ ابودلف از طریق مندلی و دره رودخانه گنگیر یا سومار به سمت ماسبذان و مهرجانقذق آمده و مینورسکی این مکان را با ایوان که یکی از سرچشمه‌های گنگیر است، یکی دانسته است.^۲ استخری در مورد شهرهای ماسبذان و مهرجانقذق، مطالبی را به طور اختصار آورده است: «سیمره و سیروان میوه گرمسیری و سردسیری دارند. آب روان در خانه ایشان می‌رود.»^۳ در تقویم البلدان چنین آمده است: «حد شمالی خوزستان، حدود سیمره و کرخه و کوه‌های لر و بلاد جبال است.»^۴ قلقشندی نیز حدود شمال خوزستان را سیمره و کوه‌های لر (لرستان) ذکر کرده است.^۵

یاقوت حموی در رابطه با ماسبذان، مهرجانقذق و شهرهای سیروان و سیمره آورده است: «سیروان، استانی است در جبل و آن، استان ماسبذان است و گویند: بلکه استانی است در پهلوی ماسبذان و برخی گفته‌اند سیروان، دهکده ای است در جبل و به تحقیق آن را معین نکرده‌اند. سیمره شهری است از نواحی جبل از سوی خوزستان و آن را به نام مهرجانقذق خوانند و آن، آبادان و دارای میوه‌ها و آبها است.» شهرهای سیروان و سیمره را جزو شهرهای جبال ذکر کرده است.^۶ در عجایب المخلوقات نیز حدود جبال تا سیمره و شاپورخواست و شهر زور و اردسان و دریای خزران مشخص شده است.^۷ طوسی، وسعت ناحیه جبال را به خوبی روشن ساخته و روایت او نیز به همان صورت آمده است.^۸

در مورد ناحیه جبال در کتاب آثارالباد و اخبارالعباد گفته شده است: «ماسبذان، مدینه‌ای مشهور نزدیک به شروان [مغرب سیروان]، اشجار بسیار دارد و چشمه‌های آب گرم و

۱. ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، ص ۶۱-۶۰.

۲. همان، ص ۱۲۲-۱۲۱.

۳. اصطخری، مسالک الممالک، ص ۷۹ و ۱۶۵.

۴. ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۳۵۴.

۵. قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ص ۳۳۸.

۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ص ۴۹۶ و ۱۳۶۲، ص ۱۱۹ و ۱۲۵.

۷. انصاری دمشقی، نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، ص ۳۱۳-۳۱۲.

۸. طوسی، عجایب المخلوقات، ص ۲۸۲-۲۸۱.

انواع کبریت و زاک و شوره و نمک نیز بسیار.^۱ اطلاعاتی که قزوینی در رابطه با ایالت ماسبدان به دست داده، بیشتر مربوط به قسمت‌های غربی این ایالت بوده است که شامل کوه‌های میمک، بولی و گلال ملکشاه است که از مناطق باستانی این ایالت به‌شمار می‌رود و آثار باستانی آن؛ به‌ویژه در پشت قلعهٔ چوار و چمری، قابل رؤیت می‌باشد.^۲ به نظر می‌رسد که قزوینی اطلاعات خود را از کتاب ابودلف گرفته باشد. او ماسبدان را جزو اقلیم سوم به حساب آورده است؛ همچنین، در نزهة القلوب چنین آمده است: «صیمره [سیمره]، شهری نیک بوده است و اکنون خراب است و در کوهستان، غیر از آنجا خرما نمی‌باشد.»^۳ دمشق (۲۲۷-۶۵۴ ه.ق) به ذکر اسامی شهرهای جبال پرداخته و ماسبدان و مهرجانقذق را نیز در شمار آنها به حساب آورده است: «دیگر سیروان و ماسبدان است که شهر اخیر در کوه‌هایی همانند کوه‌های مکه است. دیگر سیمره است که آن را مهرجانقذق نیز می‌خوانند و...»^۴

۹- ایالات ماسبدان و مهرجانقذق در دورهٔ فرمانروایی امویان:

پس از نبرد صفین و جریان حکمیت، خلافت معاویه از سوی عمروعاص اعلام شد و این امر با اعتراض ابوموسی اشعری نمایندهٔ امام علی (ع) مواجه شد.^۵ پس از شهادت حضرت علی (ع) در سال ۴۰ ه.ق و در شهر کوفه،^۶ معاویه مناطق مختلف خلافت اسلامی

۱. همدانی، عجائب نامه، ص ۴۸۹.

۲. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۶۱ و ۳۴۱.

۳. مستوفی قزوینی، نزهة القلوب، ص ۷۱.

۴. انصاری دمشقی، نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، ص ۲۹۰؛ آبادی باویل، طرائف و طرائف، ص ۴۰۷.

۵. ابن طقطقی، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی، ص ۱۲۶؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۲۷۹؛ مسکویه الرازی، تجارب الامم، الجزء الاول، ص ۳۶۷-۳۶۶؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۲۰؛ جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۵۱۱.

۶. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۴، ص ۱۹۹۷.

را تصرف نمود و توانست تحت شرایطی با امام حسن (ع) نیز صلح نماید^۱ و به صورت رسمی به خلافت رسید^۲ و تا سال ۶۰ ه.ق در مسند خلافت بود.^۳

در زمان خلافت معاویه، فتوحات مسلمانان در شرق و غرب و مناطق شمالی توسعه یافت و مسلمانان بخارا را تصرف کردند.^۴ پس از مرگ معاویه یزید به خلافت رسید^۵ و حوادثی مانند: قیام امام حسین (ع) در سال ۶۱ ه.ق،^۶ قیام مدینه و به آتش کشیده شدن خانه خدا، در دوره خلافت وی اتفاق افتاد.^۷ پس از مرگ یزید، پسرش معاویه دوم (۶۴ ه.ق) به خلافت رسید که در همان سال، اندکی بعد از به خلافت رسیدن، فوت کرد.^۸ پس از مرگ معاویه دوم، مروان بن حکم، به کمک امویان توانست خلافت را به دست گیرد^۹ و بعد از ۹ ماه خلافت، مسموم شد و مُرد^{۱۰} و پس از او پسرش عبدالملک (۶۵-۸۶ و ۸۷ ه.ق) به خلافت رسید.^{۱۱} وی به کمک حجاج بن یوسف، توانست تمام قلمرو جهان اسلام را مطیع خود کند و عبدالله بن زبیر را در مکه کشت و به خلافت زبیریان پایان داد.^{۱۲}

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۲.
۲. ابن طقطقی، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی ص ۱۴۰؛ مسکویه الرازی، الجزء الاول، ص ۱۵؛ الدینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۱۸.
۳. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۶، ص ۲۸۹؛ بیات، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه، ص ۱۹۴.
۴. نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۱۱-۱۰.
۵. دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۷۵-۲۴۵؛ حسنی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام از سال ۶۱ هجری تا سقوط بغداد، ص ۲۳؛ عطوان، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی، ص ۲۴۳.
۶. لوط بن یحیی، نصوص من تاریخ ابی مخنف، الجزء الاول، ص ۴۶۰-۴۵۸.
۷. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۵، ص ۲۲۹۲.
۸. ابن العبری، مختصر تاریخ دول، ص ۱۵؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، ص ۸۱.
۹. دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۳۰؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۵، ص ۲۳۳۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۷؛ تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، ص ۱۳۲؛ ابن العبری، مختصر تاریخ دول، ص ۱۵۱؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، ص ۸۱.
۱۰. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۷، ص ۳۲۵۳.
۱۱. مسعودی، التنبيه و الاشراف، ص ۲۹۱.
۱۲. تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، ص ۱۳۵.

امویان حدود ۹۱ سال (۱۳۲-۴۱ ه.ق) بر جهان اسلام حکومت کردند و سرانجام با قیام عباسیان، به سرداری ابومسلم خراسانی مواجه شدند و آخرین خلیفه آنان، مروان بن محمد بن مروان (۱۳۲-۱۲۷ ه.ق) را در سال ۱۳۲ ه.ق در روستای بوسیر مصر کشتند.^۱

۱۰- حکام ماسبدان و مهرجاننقدق در دوره امویان:

امویان برای کنترل بیشتر مناطق مختلف اسلامی، معمولاً از حکام و فرمانروایان مستقل استفاده می‌کردند و به صورت مستقیم از آن‌ها مالیات و خراج می‌گرفتند. اعراب پس از فتح ایران، نواحی کوهستانی غرب ایران را جبال نامیدند و محدوده جبال، سرزمین‌های کوهستانی کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام (ماسبدان و مهرجاننقدق)، فارس و آذربایجان، تا حدودی را شامل می‌شد.

ولایت ماسبدان و مهرجاننقدق جزئی از سرزمین جبال بود و تا چندین قرن بعد با این نام، باقی ماند. در دوره بنی امیه، حاکمانی بر این منطقه فرمانروایی داشتند. ماسبدان جزو ماه کوفه بود و در دوره خلافت معاویه، ابتدا مغیره بن شعبه به مدت ۹ سال حاکم کوفه بود.^۲ و بعد از او زیاد بن ابیه حاکم کوفه شد و تا سال ۵۳ هجری که فوت کرد حاکم کوفه و بصره بود.^۳

بعد از مرگ زیاد، عبدالله بن خالد بن اسید، هشت ماه بر کوفه حکومت کرد و بعد از او نعمان بن بشیر انصاری، به حکومت کوفه گماشته شد.^۴ در سال ۶۰ هجری و هنگام قیام امام حسین (ع)، نعمان بن بشیر، توسط یزید عزل شد و به جای او عبیدالله بن زیاد به حکومت کوفه منصوب شد.^۵

در دوره خلافت معاویه، ناحیه ماسبدان، جزو قلمرو حاکمیت کوفه بود و از سوی حکام کوفه، حاکمانی بر این ایالت، منصوب می‌شدند. بلاذری در کتابش در خصوص

۱. اتینگهاوزن، هنر و معماری اسلامی، ج ۱، ص ۱۸؛ الخطیب، ایران در روزگار اموی، ص ۷.

۲. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۶، ص ۲۷۹۲.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۵، ص ۲۰۸۷.

۴. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۷، ص ۲۸۶۴ و ۲۹۰۴.

۵. دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۸۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۸.

کسانی که در دوره فرمانروایی یزید بر ماسبذان حکمرانی داشته‌اند از خاندان کثیر بن شهاب که از سوی معاویه به دلیل دشمنی با خاندان علی (ع) به آنان زمین‌هایی به اقطاع داده شده بود سخن رانده است.^۱

باز هم بلاذری در مورد ماسبذان در روزگار بنی امیه در کتاب خود چنین آورده است: «زهره بن حارث بن منصور بن قیس بن کثیر بن شهاب نیز، در ماسبذان ضیاعی به دست آورد.» بلاذری از حضور خاندان خشرمیان خبر می‌دهد و در این خصوص می‌گوید: «یکی از فرزندان خشرین مالک بن هبیره اسدی مرا گفت، در اواخر روزگار بنو امیه بود که خشرمیان برای اولین بار، به ماسبذان آمدند یعنی در آن هنگام، نیای ایشان از کوفه بدانجای شد.»^۲

قیام مختار ثقفی، در روزگار عبدالملک مروان، رخ داد و مختار بر کوفه پیروز شد و عراق و سایر سرزمین‌ها، غیر از مصر و شام که در تصرف عبدالملک بود، تسلیم او شدند و او، کارگزاران خود را به هر سو اعزام کرد. دینوری در کتاب خود، در خصوص کارگزاران مختار می‌نویسد: «عبدالرحمن بن سعید بن قیس همدانی را بر موصل، محمد بن عثمان تمیمی را بر آذربایجان، عبدالله بن حارث برادر اشتر را بر ماهین و همدان، یزید بن معاویه بجلی را بر اصفهان و قم و نواحی آن دو شهر، و ابن مالک بکراوی را بر حلوان و ماسبذان، یزید بن ابو نجبه فزاری را برری و دستی و زحر بن قیس را بر جوخی گماشت.^۳ در دوره خلافت عبدالملک، خوارج بر بصره و مهران و قنسطنطین و بر حوالی اطراف آن تسلط یافتند و عبدالملک، دو بار سپاهیانی را به جنگ خوارج، بصره و سرزمین‌های تابع آن از جمله مهران و قنسطنطین فرستاد که شکست خوردند و سرانجام عبدالملک مروان مهلب بن ابی صفره را به جنگ خوارج فرستاد، ولی مهلب سپاه و امکانات کافی برای جنگ با خوارج این منطقه را نداشت از عبدالملک تقاضای کمک کرد. عبدالملک، در چنین شرایطی حجاج بن یوسف را والی عراق کرد و وقتی که حجاج به کوفه وارد شد، مردم را

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۲۷.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۳۷؛ دینوری، متن عربی اخبار الطوال، ص ۲۹۲.

به شدت ترسانند و آن‌ها را روانهٔ جنگ با خوارج کرد. وقتی که حجاج به حکومت کوفه منصوب شد مهلب ابن صفره در مهرگان قذق (دره شهر کنونی) با خوارج ازارقه می‌جنگید و آن‌ها را شکست داد و از این منطقه فرار کردند.^۱ مهلب ابن ابی صفره در جنگ با خوارج پیشروی زیادی کرد و توانست، خوارج را در کرمان که در مقابل او پایداری کرده بودند، شکست دهد و رهبر آنان به نام نافع بن ازرق را به قتل برساند و عبدالملک، او را والی خراسان کرد.^۲

۱۱- مذهب مردم ماسبذان و مهرجانقذق در دورهٔ بنی امیه:

مردم ماسبذان و مهرجانقذق پس از ورود اسلام به غرب نجد ایران، به تدریج اسلام را پذیرفتند. گرچه در بین آنان، کسانی بودند که به آیین زرتشت وفادار باقی مانده بودند. وجود آتشکده‌های دورهٔ ساسانی، در بعضی از شهرستان‌های استان ایلام مانند آتشکدهٔ سیاگل (چهار طاقی) در ایوان، آتشکده کوشک قینفر در ملکشاهی، آتشکده نزدیک سرابله و آتشکدهٔ دره شهر که هنوز هم باقی مانده‌اند، دلالت بر حضور زرتشتیان در این استان تا چند قرن بعد از ورود اسلام دارد.

به نظر می‌رسد کسانی که در مناطق ماسبذان و مهرجانقذق اسلام را پذیرفته بودند، از هواداران بنی امیه بودند، زیرا بنی امیه کسانی را به حکومت این مناطق محسوب می‌کردند که از مخالفان جدی شیعیان بودند و انتخاب کثیرین شهاب بن حصین از سوی یزید به عنوان حاکم این نواحی که از مخالفان حضرت علی (ع) بود، دلیلی بر این ادعا است. نویری در کتابش بر حضور خوارج در ماسبذان اشاره کرده است.^۳

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۰.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳. نویری، نهایه العرب فی فنون العرب، ص ۲۲۵-۲۲۴.

مسعودی از حضور خارجیان (خوارج) ازارقه، در مهرجانقذق خبر داده است که سپاهیان مهلب بن ابی صفره با آنان به جنگ پرداخته‌اند و آن‌ها را در این منطقه شکست داده و بیرون کرده‌اند.^۱

وجود کوه‌های مرتفع، آب و هوای مناسب، چشمه‌های زیاد، غارها و پناهگاه‌های طبیعی، پوشش جنگلی مناطق مختلف استان ایلام و نزدیک بودن به کوفه و بصره را می‌توان از دلایل حضور خوارج ازارقه، بعد از جنگ نهروان و به‌خصوص در دوره بنی امیه در این ناحیه دانست. خوارج بعد از مرگ یزید و فترتی که در قدرت امویان به وجود آمد، توانستند خود را سازمان‌دهی کنند و در نقاط مختلف اسلامی چه در شرق جهان اسلام و چه در شمال آفریقا یعنی غرب جهان اسلام، مبارزات خود را علیه بنی امیه آغاز کنند که در نتیجه آن، خوارج ایران و از جمله خوارجی که در مناطق ماسبذان و مهرجانقذق در دوره عبدالملک وجود داشتند سرکوب شدند.

وات در کتاب خود، در مورد فرقه‌های خوارج بیان می‌کند که دو فرقه خارجی که بیشتر گسترش یافتند در دوران جنگ‌های ابن زبیر به وجود آمدند و چون دریافتند که اگر ابن زبیر پیروز شود، طبق اندیشه‌های خوارج عمل نخواهد کرد و چون در سال ۶۴ هجری، بصره به ابن زبیر پیوست، ازارقه به کوه‌های شرق بصره پناه بردند و بعدها چنان گسترش یافتند که خود خطری برای بصره به‌شمار می‌رفتند. گروه دوم از خوارج نجدیه بودند که در منطقه یمامه عربستان حضور داشتند.^۲

منظور از روایت مذکور، از حضور خوارج در کوه‌های شرق بصره، همان کوه‌های شمال خوزستان و کوه‌های مهرجانقذق و ماسبذان می‌باشد. مسعودی در تأیید این مطلب بیان می‌کند: «هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی حاکم عراق شد، در آن هنگام، مهلب بن ابی صفره، در مهرجانقذق با ازارقه خارجی در حال جنگ بود. حجاج به کوفه آمد و مردم را ترساند و مستمری‌های آنان را داد و آن‌ها را وادار به کمک مهلب بن ابی صفره در

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲. وات، فلسفه و کلام اسلامی، ص ۳۰-۲۹.

جنگ با خوارج کرد.^۱ پس از نبردهای مهلب ابن ابی صفره با خوارج ازارقه، آن‌ها به اجبار این نواحی را ترک کردند و به کرمان، سیستان و جنوب خراسان رفتند.^۲ هنگامی که میمون قداح (از فرقه قرمطیان) و ابوزکریاء و دیگر باطنیان، تصمیم گرفتند به منظور تبلیغ، به مناطق مختلف بروند، میمون قداح به مصر و مغرب رفت و ابوزکریاء را به سوی لرستان و حدود خوزستان فرستادند چون خوارج در آنجا حضور داشتند در آن جا به نشر افکار خود پرداخت.^۳ فرار خوارج در قرون اول هجری و پناه گرفتن در کوه‌های شمال خوزستان و مهرجانقدق و ماسبدان [رشته کوه کبیرکوه]، احتمالاً با کمک ایرانیان علیه بنی امیه همراه بوده است زیرا ایرانیان متوجه شده بودند که امویان بر آن‌ها ظلم و ستم می‌کنند و وجه اشتراک بین ایرانیان و خوارج در آن زمان، دشمنی با بنی امیه بود.

۱۲- اوضاع اقتصادی ماسبدان و مهرجانقدق در دوره بنی امیه:

با توجه به امکانات طبیعی این دو ایالت که شامل: کوهها، رودخانه‌ها، مراتع جنگلی غنی، دشت‌های حاصلخیز و ... می‌شده است، آن‌ها به احتمال زیاد، از رونق اقتصادی فراوانی، برخوردار بوده‌اند، و گمان می‌رود بیشتر مردم این ناحیه، در درجه اول به دامپروری مشغول بوده‌اند و عده زیادی نیز به کشاورزی پرداخته‌اند. از آنجا که در دوره بنی امیه خاندان‌های کثیر بن شهاب و خشرمیان بر دو ایالت ماسبدان و مهرجانقدق، تسلط یافته‌اند^۴ و چون احتمال می‌رود این ایالات، به عنوان تیول به این خاندان‌ها واگذار شده باشد می‌توان حدس زد که از اهمیت اقتصادی ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. در

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۰؛ لوط بن یحیی، نصوص من تاریخ بن مخفف، الجزء الثانی، ص ۲۳۶-۲۲۵.

۲. همان، ص ۲۲۶؛ الشهرستانی، الملل و النحل، الجزء الاول، ص ۱۳۶-۱۳۴.

۳. القزوینی رازی، النقص معروف به فضایح الروافض، ص ۳۲۶.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۲۷-۱۲۶.

این دوره مردم نواحی ماسبذان و مهرجانقذق مالیات و خراج خود را به والیان کوفه و بصره پرداخت می‌کرده‌اند.^۱

نتیجه:

ایالت‌های ماسبذان و مهرجانقذق که امروزه استان ایلام را شامل می‌شوند، به دلیل موقعیت استراتژیکی خود، از نظر مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی برای خلفای اموی بسیار حائز اهمیت بودند. ماسبذان و مهرجانقذق از منظر جغرافیای طبیعی، از دو ناحیه دشت و کوهستان تشکیل شده بودند؛ به همین خاطر از خوش آب و هواترین نقاط ایران در عهد باستان و قرون نخستین اسلامی به‌شمار می‌رفتند. این دو ایالت، در دوره بنی امیه، گاهی توسط حاکمان کوفه و بصره اداره می‌شده‌اند و از زمان یزید بن معاویه به بعد، بیش از همه، دو خاندان کثیر بن شهاب و خشرمیان، در این مناطق حاکمیت داشته‌اند. به علت جنگل‌های انبوه، آب و هوای مساعد و وجود کوههای صعب العبور از جمله رشته کوه کبیرکوه، در دوره بنی امیه، این دو ایالت (ماسبذان و مهرجانقذق)، به پایگاه مهمی برای مخالفت با بنی امیه تبدیل شده بودند تا جایی که در این نواحی، حضور و شورش‌های خوارج را بر ضد خلفای بنی امیه شاهد بوده‌ایم.

منابع و مآخذ:

آبادی باویل، محمد. **ظرائف و طرائف**. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۸.

آربری، ا. ج. و برتولد اشپولر و دیگران. **تاریخ اسلام**. پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، چاپ چهارم.

امیه، پیر. **تاریخ عیلام**. ترجمه شیرین بیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، چاپ سوم.

۱. اکبری، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، پیشین، ص ۲۲۴-۲۲۳.

ابراهیم حسن، حسن. **تاریخ سیاسی اسلام**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان، ۱۳۷۳، چاپ هشتم.

ابن اثیر، عزالدین. **تاریخ کامل**. جلد ۱۲، ترجمه حمیدرضا آژیر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.

ابن حوقل. **صورة الارض**. ترجمه: دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله. **المسالك و الممالك**. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: نشر نی، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲.

ابن رسته، احمد بن عمر. **الاعلاق النفیسه**. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.

ابن السعد الغامدی الازدی الکوفی، لوط بن یحیی. **نصوص من تاریخ این مخنف**. الجزء الاول، استخراج و تنسیس و تحقیق کامل سلمان الجبوری. لبنان، بیروت: دارالمحجبه البیضاء، ۱۴۱۹ ه.ق/۱۹۹۹ م.

ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبائی. **تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی**. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم.

ابن عبری، غریغوریوس بن هارون. **مختصر تاریخ دول**. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

ابن عنبه، جمال الدین محمد. **الفصول الفخریه**. به اهتمام سید جمال الدین محدث ارموی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.

ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق. **مختصر البلدان**، بخش مربوط به ایران. ترجمه ح- مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. **البلدان**. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷، چاپ پنجم.

ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. **تاریخ یعقوبی**. جلد ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵، چاپ دوازدهم.

ابوالفدا. **تقویم البلدان**. ترجمه عبدالمحمدآیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

ابودلف. **سفرنامه ابودلف در ایران**. با تعلیقات و تحقیقات ولادمیر مینورسکی. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۴، چاپ دوم.

اتینگهاوزن، ریچارد و والگ گرابر. **هنر و معماری اسلامی**. ج ۱، ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت، ۱۳۹۴، چاپ یازدهم.

اسدی، علیرضا. **با ایلامیان در ایلام (شناخت اقوام، ایلات، طوایف و خاندان‌های استان ایلام)**. ایلام: انتشارات جوهر حیات، ۱۳۹۶.

اسدی، علیرضا. **فرهنگ تطبیقی گویش کردی ایلامی با زبان ایرانی میانه (پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی) به انضمام تاریخ و زبان استان ایلام قبل از اسلام**. ایلام: انتشارات جوهر حیات، ۱۳۹۰.

اصطخری، ابوالسحاق ابراهیم. **مسالك الممالک**. به اهتمام: ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

اکبری، مرتضی. **تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه**. قم: انتشارات فقه، ۱۳۸۶.

الشهرستانی، لابی الفتح محمد بن عبدالکریم. **الملل و النحل**. الجزء الاول، قدم له و علق حواشیه الدكتور صلاح الدین الهواری، بیروت: دارو مکتبه اهلل، ۱۹۹۸ م.

الخطیب، عبدالله مهدی. **ایران در روزگار اموی**. ترجمه عمود رضا افتخارزاده، تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۸.

الدینوری، احمد بن داود. **الاخبار الطوال**. تحقیق، عبدالمنعم عامر، مصر، القايره: ۱۹۶۰.

القزوینی رازی، نصیرالدین ابن الرشید ابوالفضل. **النقض معروف به فضایح الروافض**. با مقدمه و تعلیق و مقابله و تصحیح سید جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، بی جا، بی نا: ۱۳۷۱.

انصاری دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب. **نخبه الدهر فی عجائب البر والبحر**. ترجمه سید حمید طبیبیان. تهران: بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان ایران فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷ و چاپ اساطیر، ۱۳۸۲.

بخش تحقیقات روستایی، «*بررسی اقتصادی و اجتماعی ایلام*». تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، مهرماه ۱۳۴۴.

بررسی و برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی استان ایلام. بی جا: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام، ۱۳۵۴.

بلاذری، احمدبن یحیی. *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

بیات، عزیزالله. *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، چاپ دوم.

بیات، عزیزالله. *تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمه*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، چاپ دوم.

پرو، ژان و ژنویودلفوس. *شوش و جنوب غربی ایران*. تاریخ و باستان‌شناسی. ترجمه هایدو اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

جعفریان، رسول. *تاریخ سیاسی اسلام*. ج ۲، تهران: ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، چاپ دوم.

حسینی، علی اکبر. *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام از سال ۶۱ هجری تا سقوط بغداد*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

حموی، یاقوت. *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، چاپ دوم.

حموی، یاقوت. *معجم البلدان*. ج ۳، بیروت: بی نا، ۵۱۳۹۹ق.

حموی، یاقوت. *معجم البلدان*. ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی قم، ۱۹۶۵م.

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*. ج ۱، با مقدمه به قلم جلال الدین همایی، بی نا: چاپخانه صدری، کتابخانه خیام، ۱۳۳۳.

دهخدا، علی اکبر. *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم.

دیاکونوف، م.م. *تاریخ ایران باستان*. ترجمه روحی ارباب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، چاپ پنجم.

دیاکونوف، م.م. *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.

- زرین کوب، عبدالحسین. **تاریخ مردم ایران قبل از اسلام**. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۸، چاپ یازدهم.
- سالنامه آماری استان ایلام ۱۳۹۳**. ایلام: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام، بهمن ۱۳۹۴.
- شعبانی، رضا. **مروری کوتاه بر تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوران قاجاریه**. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- طبری، محمدبن جریر. **تاریخ الرسل و الملوك**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵، چاپ هفتم.
- طبری، محمدبن جریر. **تاریخ الرسل و الملوك**. جلد ۱۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- طوسی، محمد بن محمود بن احمد. **عجایب المخلوقات**. به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- عطوان، حسین. **فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی**. ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- فرای، ریچارد. ن. **عصر زرین فرهنگ ایران**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵، چاپ سوم.
- قزوینی، زکریا بن محمدبن محمود. **آثار البلاد و اخبار العباد**. ترجمه عبدالرحمان شرفکندی. تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶.
- قلقشندی، احمد بن علی. **صبح الاعشى فی صناعة الانشاء**. القاهرة: وزارة الثقافة والارشاد القومي، الموسسه المصری القاهرة، ۱۳۸۳ ق.
- لسترینج، گی. **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
- مجیدزاده، یوسف. **تاریخ و تمدن بین‌النهرین (تاریخ سیاسی)**. جلد ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابوبکر. **نزهة القلوب**. به اهتمام گی لسترینج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابوبکر. **تاریخ گزیده**. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۴، چاپ ششم.

مسعودی، علی بن الحسین. **التنبیه والاشراف**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، چاپ سوم.

مسعودی، علی بن الحسین. **مروج الذهب**. جلد ۱ و ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، چاپ هفتم.

مسکویه رازی، ابوعلی. **تجارب الامم**. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش، ۱۳۶۹. مقدسی، ابوعبداله محمد بن احمد. **احسن التقاسیم فی معرفه القالیم**. ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

مؤلف مجهول. **تاریخ سیستان**. تصحیح ملک الشعراء بهار. تهران: زوار/ معین، ۱۳۱۴ و ۱۳۶۶ و ۱۳۸۱.

مؤلف مجهول. **نهاية الأرب فی أخبار الفرس و العرب**. مصحح محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۷۴.

میرسعیدی، نادر. **ایران باستان**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲.

میرسعیدی، نادر. **تاریخ سیاسی ایلام باستان**. تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۵.

نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر. **تاریخ بخارا**. تلخیص محمدبن زفرین عمر، تصحیح مدرس رضوی، تهران، توس، ۱۳۶۳، چاپ دوم.

نفیسی، سعید. **تمدن ساسانی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.

نوربخش، مسعود. **مسافران تاریخ**. تهران: جیران، ۱۳۶۴.

نویری، شهاب‌الدین. **نهاية الادب فی فنون الادب**. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

وات، مونتگمری. **فلسفه و کلام اسلامی**. ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

همدانی، محمدبن محمود. **عجائب نامه (عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات)**. ویرایش متن جعفر مدرس صادقی، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۵.

هول، فرانک. **باستان‌شناسی غرب ایران**. ترجمه زهرا باستی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

هینتس، والتر. **دنیای گمشده عیلام**. (ویراستار روزبه زرین کوب)، ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸، چاپ چهارم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی